

تجارب فردی مددجویان از اقامت در کانون اصلاح و تربیت استان تهران سال (۱۳۹۲ -

(۱۳۹۱

تینا صیرفی^۱

دکتر معصومه دژمان^۲ و سید محمدحسین جوادی^۳

چکیده

کانون اصلاح و تربیت مکانی برای اصلاح و بازپروری کودکان و نوجوان بزهکار است. به منظور اجرای موفقیت آمیز برنامه های بازپروری ، لازم است کارشناسان از تجارب این نوجوانان مطلع شوند . این پژوهش با هدف شناخت تجارب فردی مددجویان از اقامت در کانون اصلاح و تربیت استان تهران انجام گرفته است . پژوهش کیفی حاضر از روش تحلیل محتوای استقرایی بهره برد . جامعه پژوهش ، مددجویان مقیم و کارکنان حرفه ای کانون اصلاح و تربیت استان تهران بودند . با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف و تارسیدن به حد اشباع داده ها ، (بیست و شش نوجوان معارض قانون) و شش تن از کارکنان حرفه ای (مددکار اجتماعی ، روان شناس و مربی) بررسی شدند . داده ها با شیوه های مشاهده مشارکتی ، مصاحبه ، یادداشت در عرصه گردآوری شد . از بررسی یافته ها بیست و دو کد مفهومی بدست آمد که در دو زیر طبقه اصلی ، مشغولیت های ذهنی و باورهای مددجویان قرار گرفت . یافته های حاصل از این پژوهش توصیفی عمیق از تجارب فردی و باورهای شکل گرفته در مددجویان از اقامت در کانون اصلاح و تربیت ارایه کرده است. آگاهی از دیدگاه های این نوجوانان می تواند در زمینه ی بهبود شرایط محیط نگهداری نوجوانان معارض قانون ، برآورد نیاز ها و اولویت ها در جهت تدوین برنامه های مناسب اصلاحی - تربیتی و کاهش تنش های زندگی در کانون های اصلاح و تربیت سودمند واقع شود.

کلید واژه ها : نوجوان بزهکار - مددجو - کانون اصلاح و تربیت - تجربه - پژوهش کیفی

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد است .

^۱ کارشناس ارشد رفاه اجتماعی - دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی (نویسنده مسوول) Email : tn.seirafi2020@gmail.com

^۲ دکترای بهداشت و روان - عضو هیات علمی مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت . دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی

^۳ دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی

The opinion and personal Experience in Service Users Resident in Juvenile Correctional and Rehabilitation Center of Tehran (1391 – 1392) : A Qualitative Study

Tina seirafi⁴

D. Masuomeh Dejman⁵ , Mohamad Hossein Javadi⁶

Abstract

The Juvenile Correctional and Rehabilitation Center is a place to Correctioning and Rehabilitating delinquent children and adolescents. In order to successfully implement Rehabilitation program , experts is neseccery to be aware of the experiences of these Juveniles .The aim of this study was explicating the individual experiences and opinions of service users resident in a Juvenile Correctional and Rehabilitation Center of Tehran . The Method of inductive content analysis was used in this qualitative study . The participants comprised service users and expert personels resident in Juvenile Correctional and Rehabilitation Center of Tehran . 32 participants (26 children conflict in law and 6 expert personels) were selected using purpose full sampling , up to reaching data saturation . Data were collected using Participatory observation , In – depth interview and Field note .

The finding were classified in 22 conceptual codes which setting in two main sub category as mental distress and believes .

The findings present in depth description of personal experience and believes in service users resident in Juvenile Correctional and Rehabilitation Center . These information can be used to promote Correctional institution condition , estimate needs and priority in order to suitable programming and reduce distress of life in Juvenile Correctional and Rehabilitation institution .

Key Words: Delinquente – Service user – Juvenile Correctional and Rehabilitation center – Experience – Qualitative Research

⁴ Social welfare (M A) Email : tn.seirafi2020@gmail.com

⁵ assistant profession, social determinant of health research center university of Social welfare and Rehabilitation Sciences

⁶ Social working (PHD)

موضوع حبس و مددجو و مساله سلامتی و بهداشت این افراد به خاطر گسترش روز افزون این قشر در جوامع مختلف یکی از موضوعات مهم جوامع است. به طوری که امروزه موضوع زندانیان به یکی از بزرگترین نگرانی ها برای حفظ و ارتقا سلامت در جامعه بدل شده است. در این راستا مسوولیت جامعه در قبال کودکان و جوانان بزهکار و محبوس به مراتب سنگین تر از مجرمین بزرگسال است (دانش ، ۱۳۸۵: ۲۰). زیرا نوجوانی زمان کشف یا به عبارت بهتر آگاهی از ارزش های فرهنگی ، اجتماعی و معنوی است . به دلیل عدم تکامل شخصیتی و شکل نگرفتن نگرش شخص نوجوان نسبت به زندگی ، کشمکش ها و تعارض های ناشی از این آگاهی ، حالتی از انقلاب و بحران را برای نوجوان به وجود می آورد و به همین دلیل از او موجودی نسبتا شکننده می سازد که متاثر است از آن چه که او را احاطه کرده (جوانمرد ، ۱۳۹۰ : ۸۸- ۸۷). بنابراین چنانچه در اصلاح و تربیت و یا درمان کودکان و نوجوانان سهل انگاری شود و متناسب با شرایط سنی و ویژگی های خاص دوران نوجوانی نباشد ، معضلی جبران ناپذیر خواهد شد مضاف بر مشکلات جاری جامعه ؛ که هیچ کس از گزند این مصیبت در امان نخواهد بود و بی توجهی مسوولین در این باره گره این مشکل اجتماعی را کورت تر خواهد کرد . زیرا مطالعات متعددی نشان داده است که اکثر مجرمین حرفه ای خطرناک از میان کسانی هستند که اولین جرم خویش را در سنین طفولیت و نوجوانی مرتکب شده اند (محمود نژاد ، ۱۳۸۰: ۵). جامعه ایران هم مانند بسیاری از جوامع در حال توسعه ، شاهد ازدیاد کمی و کیفی پدیده بزهکاری کودکان گردیده و این تحول عمدتا با مهاجرت روستاییان به شهر، هجوم فرهنگ غربی ، توسعه شهرنشینی ، کمبود مسکن ، مشکلات اقتصادی ، ضعف باورهای مذهبی و ... به ویژه در سال های اخیر ، رشد سریعی به خود گرفته است (علی نیا جنگلی ، ۱۳۹۰ : ۴) استناد به آمار سازمان زندان ها نیز ازدیاد روز افزون نوجوانان معارض قانون را تایید می کند به طوری که در سال ۱۳۸۸ تعداد نوجوانان بزهکار راه یافته به کانون های سراسر کشور ، در گروه سنی ۱۸-۱۲ سال ، ۹۱۲۷ نفر و همین آمار در سال ۱۳۹۱ به ۱۲۱۴۱ نفر افزایش یافته است .

طرح مساله :

میانگین بازگشت مجدد نوجوانان به کانون های اصلاح و تربیت سراسر کشور ، طی یک روند ده ساله (۱۳۹۰ - ۱۳۸۰) ، ۱۵٪ بوده است (آمار سازمان زندان ها ، ۱۳۹۰). افزایش تعداد نوجوانان معارض قانون می تواند دلایل عدیده ای داشته باشد از جمله این موارد می توان به ناکارآمد بودن کانون های اصلاح و تربیت اشاره کرد . تحقیقات نشان داده است که زندانی شدن بزهکاران وضع را بدتر می کند و آن ها را دچار اختلالات روانی می کند و این موسسات کمک بسیار کمی در زمینه ی مسایل روانی ، تربیتی و شغلی می کنند و بیشتر نوجوانان را مستعد ارتکاب به اعمال مجرمانه در بزرگسالی می نمایند (جوانمرد ، ۱۳۹۰ : ۷۷- ۷۶). زندگی در محیط زندان و محیط های بسته ، گاه ناراحتی های شدیدی ایجاد کرده و ناسازگاری های تازه

ای را در نوجوان بزهکار به وجود می آورد و این مساله حتی در موسسات تربیتی مخصوص اطفال که باروشی کاملا متفاوت و با ملایمت بیشتر اداره می شود نیز به چشم می خورد . مددجویان نوجوان پس از طی دوره محکومیت یا تدابیر تربیتی ولو اینکه از نظر روحیه و سازگاری پیشرفت کرده باشد در موارد فراوان با مشکلات متعددی از جمله مشکلات ناشی از توقیف و زندانی شدن و اقامت و نگاهداری در مراکز تربیتی یا زندان ها روبه رو هستند مانند حالات عصبی ، افسردگی و عدم تعادل روانی که با مطالعه و پژوهش می توان علل این قبیل مشکلات را کشف کرد (محدث ، ۱۳۸۸ : ۵۷) . فاضل در سال ۲۰۰۸ در پژوهشی با روش متا آنالیز به بررسی بیست و پنج پژوهش پیمایشی با موضوع بررسی ناراحتی های روانی در میان نوجوانان مقیم زندان های نوجوانان و مراکز بازپروری و اصلاحی انجام گرفته بود ؛ پرداخت . نتایج نشان داد که در صد قابل توجهی از نوجوانان مستقر در بازداشتگاه ها و مراکز اصلاحی و بازپروری ، به نسبت نوجوانان عادی ده برابر بیشتر احتمال دارد از بیماری روانی رنج ببرند . همچنین تشخیص داده شده که دختران مستقر در این مراکز ، نسبت به پسران اغلب بیشتر به افسردگی حاد دچار می شوند که این خلاف یافته هایی است که از پیمایش های جمعیت عادی حاصل شده است (فاضل ^۷ ، ۲۰۰۸ : ۱۰۱۰-۱۰۱۹) . کروس^۸ در سال ۱۹۹۸ ابراز کرد، زندگی در شرایط محیطی نامناسب ، می تواند منبع فشار و تنش برای فرد تلقی شود که منجر به ایجاد تاثیرات مهمی بر وضعیت سلامت جسمی و روانی فرد می گردد . چنین تنشی از نوع تنش های مزمن و مداوم است که در مقایسه با تنش های کوتاه مدت ، تاثیرات مخرب تری بر افراد می گذارد (کروس ، ۱۹۸۸ : ۶۵۳-۶۶۴) . مطالعه اسماعیلی و راهرو (۱۳۸۷) ، در مورد کیفیت زندگی مددجویان در زندان نشان داد ، مددجویان به عنوان افرادی که مدتی از زندگی خود را در زندان به سر می برند ، در معرض هجوم شناخت های منفی در مورد آینده هستند . بسیاری از این افراد نگرانی هایی اساسی درباره آینده (سرانجام محکومیت) ، موضوعات خانوادگی (آینده خانواده و فرزندان) و مسایل پس از خروج از زندان (شغل و آبروی اجتماعی) هستند ؛ که ایشان را مستعد ابتلا به مشکلات عاطفی از جمله افسردگی می کند . از آنجایی که محیط و شرایط حاکم بر آن ، یکی از مهم ترین مولفه های تاثیر گذار بر سلامت روانی است . نوع محکومیت و جو روانی حاکم بر آن نیز با سلامت روانی افراد حاضر در آن ها مرتبط است (اسماعیلی ، ۱۳۸۷ : ۲۵ -۲۰) . مرور منابع نشان داده از نوجوانان و جوانان ، به ویژه نوجوانانی که گرفتار نظام قضایی هستند ، به ندرت خواسته شده نظرات و تجربیات خود را پیرامون دوران بازداشت و حبس مطرح کنند (لشگر آرا ، ۱۳۸۳ : ۷) . از آنجایی که یکی از گروه های هدف کارشناسان رفاه اجتماعی ، کودکان و نوجوانان به ویژه نوجوانان آسیب پذیر بوده ، درکنار نقش کارشناسان نظام های کیفی ، توجه کارشناسان رفاه اجتماعی نیز به این گروه ویژه از نوجوانان و شرایط حبس آن ها معطوف شده است. به ویژه این که یکی از کمبود ها در زمینه ی بعد حقوقی رفاه اجتماعی^۹ ، عدم برنامه ریزی جامع و مناسب در زندان ها ، مراکز

⁷ Fazel

⁸Krause

⁹ رفاه اجتماعی دارای ۵ بعد : زیستی ، اجتماعی ، اقتصادی ، حقوقی و سیاسی است .

بازپروری و کانون های اصلاح و تربیت می باشد (مدنی ، ۱۳۷۹ : ۱۹) . اطلاع از تجربیات و نظرات خدمت گیرندگان یک سازمان ، می تواند تاثیر بسزایی در هدایت سیاست گذاران و مسوولین در اتخاذ سیاست ها و برنامه ریزی های معقول و موثر داشته باشد و در برنامه ریزی ها باید منافع و مصالح همه ذی نفعان در نظر گرفته شود (پرن فر ، ۱۳۸۶ : ۸) . از جمله اقدام های مهم و ضروری در جریان تدوین برنامه های ویژه نوجوانان این است که از شرکت کنندگان بخواهیم عقاید و تجربیات خود را ابراز کنند . با توجه به مرور منابع و مشکلاتی که استقرار در کانون های اصلاح و تربیت برای نوجوانان ایجاد می کند ، لازم است این گونه اماکن به طور دقیق تر و عمیق تری مورد بررسی قرار بگیرند . از آنجایی که پژوهش های کمی روش هایی غیر قابل انعطاف و محدودند و پژوهش های کیفی انعطاف پذیری بیشتری دارند و می توانند در چرایی و چگونگی رفتارهای خطرناک نوجوانان تحلیل جامع تری داشته باشند و همچنین می توانند در تعدیل دیدگاه ها و برنامه ریزی های ویژه این نوجوانان موثر باشند ، (پرویزی ، ۱۳۸۳ : ۲۵۱) . این پژوهش به روش کیفی در محیط کانون اصلاح و تربیت استان تهران ، نظرات و تجربیات مددجویان مستقر را مورد بررسی قرار داد و هدف آن شناخت تجربه های فردی مددجویان از اقامت در کانون اصلاح و تربیت استان تهران بود . البته شایان ذکر است این مقاله بخشی از کل مطالعه ای است که در رابطه با تجربه ی مددجویان از اقامت در کانون اصلاح و تربیت استان تهران انجام گرفته است .

روش شناسی پژوهش

این مطالعه با روش تحلیل محتوای کیفی^{۱۰} انجام گرفت . زیرا تحلیل محتوایی کیفی روش تحقیقی است که اطلاعات معتبر و تکرار شونده را از بافتار متن استخراج می کند و هدفش آشکار ساختن دانش و بینش جدیدی از واقعیات برای اهداف مورد نظر تحقیق است (کندارکی و ولمن^{۱۱} ، ۲۰۰۰ : ۲۲۴ - ۲۳۰) .

رویکردی که برای طراحی ساختار پژوهش مورد نظر از آن استفاده شد ، تحلیل محتوای استقرایی^{۱۲} بود . این رویکرد در مواردی استفاده می شود که مطالعات پیشین در آن زمینه وجود ندارد و یا کم و مختصر است . در این رویکرد ، مفاهیم از دل داده ها (تجربه های شرکت کنندگان) استخراج می شود . و از موارد خاص به سمت موارد عمومی پیش می رود . پس از مراحل کدگذاری ، کدها با توجه به تشابه معنایی در گروه های کلی تر جای میگیرند (الو و کینگاس^{۱۳} ، ۲۰۰۸ : ۱۰۹ - ۱۱۱) .

مشارکت کنندگان

¹⁰ Qualitative Content Analysis

¹¹ Kondarki & Wellman

¹² Inductive Content Analysis

¹³ Elo & Kyngas

جامعه مورد پژوهش در این مطالعه کلیه مددجویان مستقر در کانون اصلاح و تربیت استان تهران بودند. روش نمونه گیری مبتنی بر هدف و با حداکثر تنوع، برای انتخاب مشارکت کنندگان به کار رفت. به گونه ای که شرکت کنندگان (مددجویان) بر اساس سه خصوصیات و یا معیار جنس (دختر و پسر)، سن (زیر پانزده سال و پانزده سال به بالا)^{۱۴}، مدت اقامت (اقامت کوتاه مدت : بین سه تا کمتر از شش ماه استقرار در کانون و اقامت بلند مدت : بالای شش ماه استقرار در کانون) انتخاب شدند. برای رعایت حداکثر تنوع، شرکت کنندگان فوق ذکر از میان تمام جرایم (قتل، روابط نامشروع، زورگیری، سرقت، فروشنده مواد مخدر، نزع و درگیری) با وضعیت اقتصادی - اجتماعی متفاوت (افراد دارای خانواده و افراد بی خانمان) و از هر دو گروه مددجویان تک سابقه و مددجویان دارای چند سو سابقه، با میزان تحصیلات متفاوت (بی سواد، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) برگزیده شدند. در روش انتخاب هدفمند، پایه ی انتخاب فرد برای شرکت در پژوهش اطلاعات خاص او از پدیده مورد نظر و هدف گرد آوری این اطلاعات می باشد. و حجم نمونه از فرمول خاصی پیروی نمی کند و گرد آوری داده ها تا زمانی که داده ها به حد اشباع برسد، ادامه می یابد (صلصالی، ۱۳۸۶: ۳۶). در این پژوهش. همچنین به منظور سه گوشه سازی یافته ها از تعدادی از کارکنان حرفه ای (شش مددکار اجتماعی، روان شناس و مربی) نیز مصاحبه به عمل آمد. معیارهای ورود شرکت کنندگان به پژوهش عبارت بود از مددجویان دختر و پسر مقیم کانون اصلاح و تربیت استان تهران با حداقل سه ماه مدت اقامت، در مورد کارکنان با حداقل یک سال سابقه خدمت در کانون تهران، فقدان بیماری (جسمانی و روانی) شرکت کنندگان در زمان انجام پژوهش و دریافت رضایت کتبی از شرکت کنندگان برای حضور در پژوهش بوده است. در پژوهش حاضر با شرکت بیست و شش مددجو (ده دختر و شانزده پسر)، و شش نفر از کارکنان حرفه ای داده ها به اشباع رسید.

ابزار جمع آوری داده ها

در این پژوهش از سه روش مشاهده مشارکتی^{۱۵}، مصاحبه ی عمیق^{۱۶}، یادداشت برداری در عرصه^{۱۷} برای جمع آوری داده ها استفاده گردید. مصاحبه بر اساس تعدادی سوالات کلی که پاسخ باز داشت آغاز گشت و باقی سوالات بر اساس پاسخ های مصاحبه شوندگان به پرسش های اولیه شکل گرفت.

روش اجرا

^{۱۴} در مدت زمان پژوهش مددجویان زیر ۱۵ سال در کانون حضور نداشتند.

^{۱۵} Participatory observation

^{۱۶} In – depth interview

^{۱۷} Field note

پس از اخذ مجوزهای لازم و دریافت معرفی نامه از دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی تهران و سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور ، پژوهشگر اجازه ی ورود به محیط پژوهش (کانون اصلاح و تربیت استان تهران) را دریافت نمود و با هماهنگی مدیریت و سایر مسوولین کانون اصلاح و تربیت ، کار پژوهش آغاز و آزمودنی های واجد شرایط انتخاب شدند . در این خصوص با توجه به اهداف و سوالات پژوهش و مشاوره ی اساتید راهنما و مشاور ، محور های اصلی مصاحبه عمیق مشخص و راهنمای سوالات مصاحبه تدوین شد . محور سوالات پیرامون تجربیات و دیدگاه های مددجویان از اقامت در کانون بود که البته با توجه به روند پژوهش قابل انعطاف بود به گونه ای که در ادامه ی مصاحبه ها و با توجه به کدهای استخراج شده و شکاف های اطلاعاتی و برخی سوالات جستجوگرایانه از لیست راهنمای سوالات حذف یا اضافه می گردید . هر مصاحبه با طرح این پرسش آغاز گردید که " احساس شما از زندگی در کانون چیست؟" و "چی باعث شده چنین احساسی داشته باشی؟" و " چه مسایلی فکرت و مشغول کرده و باعث ناراحتی ات شده؟" پژوهش ، با ورود پژوهشگر به محیط نگهداری دختران بزهکار شروع شد . پژوهشگر علاوه بر معرفی خود ، در مورد تحقیق توضیحات کافی را به مددجویان ارایه نمود و نیز در مورد محرمانه بودن اطلاعات و هویت اشخاص و کاربرد پژوهشی صرف از آن ، به ایشان اطمینان داده شد . تحقیق در محیط نگهداری دختران به مدت هفت ماه به طول انجامید . از آنجایی که تعامل با گروه مورد مطالعه ، بر دقت تحلیل می افزاید (فلیک ، ۱۳۸۸: ۱۸) ، سعی شد با گروه مورد مطالعه (مددجویان دختر) تعامل نزدیکی برقرار شود . پژوهشگر به طور متوسط هفته ای سه الی پنج روز و هر روز به مدت نه ساعت (از ۹ صبح تا ۶ بعد از ظهر) در کانون اصلاح و تربیت (بخش نگهداری دختران) حضور می یافت و توانست با جلب اعتماد مددجویان ، حدودا پس از گذشت دوازده روز به عنوان عضوی از گروه های دوستی آنها پذیرفته شود و در فعالیت های گروهی گوناگونی همراه با مددجویان شرکت کند . از جمله ی این فعالیت ها می توان ، شرکت در کارگاه های فنی حرفه ای و ساخت مصنوعات (سفال گری و عروسک سازی و آرایشگری) در کنار مددجویان ، شرکت در فعالیت های گلکاری در حیاط و گلخانه کانون ، شرکت در تیم های ورزشی و بازی و ورزش به همراه مددجویان ، حضور در خوابگاه و سالن غذاخوری و صرف ناهار به همراه مددجویان ، شرکت در نماز جماعت و حضور در سایر فعالیتهای روزانه ی کانون اصلاح و تربیت را نام برد . در این اثنا پس از برقراری ارتباط نزدیک با مددجویان در زمینه ی سوالات پژوهش نیز گفتگو صورت می گرفت . بخش قابل توجهی از داده ها در قسمت نگهداری دختران ، از طریق گفتگوهای غیر رسمی خارج از مصاحبه جمع آوری شد . علاوه بر موارد فوق ذکر ، پژوهشگر یک ماه پس از شروع پژوهش ، اقدام به مصاحبه ی عمیق با رضایت مددجویان کرد . در تمام مصاحبه ها حفظ گمنامی ، محرمانه بودن اطلاعات ، حق کناره گیری در زمان دلخواه و کلیه تعهدات اخلاقی در نظر گرفته شد . هر مصاحبه حدود یک ساعت و نیم تا دو ساعت و در محیط نمازخانه ی کانون دختران بدون حضور سایر افراد صورت گرفت . به دلایل حفاظتی و عدم موافقت مدیریت کانون ، پژوهشگر مجوز ضبط مصاحبه ها را بدست نیابد بنابراین عین متن مصاحبه با رعایت تمام جزئیات توسط یکی از کارورزان مستقر در

کانون که رابطه ی دوستانه ای هم با مددجویان داشت ، نوشته می شد . در پایان هر مصاحبه ی عمیق ، پژوهشگر متن مصاحبه را مطالعه نموده ، نکات دارای ابهام را از شرکت کننده می پرسید تا اطمینان حاصل گردد که درک درستی از مطلب داشته است. سپس نکات مورد نظر خود را که شامل تغییرات حالت های هیجانی و رفتاری شرکت کننده در هنگام مصاحبه بود و نیز برداشت های کلی خود را به متن مصاحبه می افزود . در مجموع اطلاعات کامل را مددجویان به هنگام مصاحبه و گفتگوهای غیر رسمی خارج از مصاحبه در فعالیت های گروهی ارایه می دادند همچنین مشاهدات و یادداشت برداری های پژوهشگر نیز آن ها را تکمیل می کرد. در هنگام اجرای پژوهش به طور میانگین پانزده تا بیست و سه مددجوی دختر در بخش نگهداری دختران اقامت داشتند (تعداد مددجویان در کانون های اصلاح و تربیت به طور روزانه تغییر می کند) از این تعداد فقط یازده نفر شرایط حضور در تحقیق را دارا بودند که البته یک نفر رضایت به مصاحبه نداد و با ده نفر باقیمانده مصاحبه شد . (پنج نفر با اقامت طولانی مدت و پنج نفر با اقامت کوتاه مدت) . سه ماه پس از شروع پژوهش ، محقق همزمان وارد محیط نگهداری پسران معارض با قانون شد ؛ اما به دلیل ملاحظات قانونی و امنیتی اجازه حضور در فعالیت های گروهی با مددجویان پسر در عرصه های گوناگون (مانند مددجویان دختر) را نیافت . پژوهشگر با هماهنگی مدیر کانون اجازه یافت چند نوبت از تمام خوابگاه ها و سایر محیط های بخش نگهداری پسران مانند : کارگاه های آموزشی و باشگاه ورزشی ، محل تمرین تئاتر و سرود پسران بازدید کند و چند ساعتی در کنار مددجویان پسر به مشاهده تعاملات آنان و گفتگو با آن ها بپردازد . از این رو جمع آوری داده ها در مورد تجارب مددجویان پسر از اقامت در کانون ، با برپایی مصاحبه عمیق دنبال شد و تا پایان زمان حضور محقق در محیط پژوهش ادامه یافت . در بخش نگهداری پسران ، مصاحبه ها در فضایی به نام اتاق چند منظوره به دور از مزاحمت های محیطی به مدت دو ساعت و نیم تا سه ساعت انجام گرفت. در هر دو گروه مددجویان دختر و پسر ، پژوهشگر در حین مصاحبه برای رفع خستگی مددجویان ، چند نوبت از آن ها پذیرایی می کرد . معیار شمار نمونه ها و توقف مصاحبه ها رسیدن به غنای لازم ، تکراری شدن و به اصطلاح اشباع اطلاعاتی بود که در این راستا در گروه پسران مصاحبه ها با هر دو گروه اقامت کوتاه مدت و بلند مدت با هفت مصاحبه به اشباع رسید که جهت اطمینان با یک نفر دیگر نیز مصاحبه شد و در مجموع شانزده مصاحبه با مددجویان پسر انجام گرفت . در مصاحبه با هر دو گروه پسران و دختران مددجو ، از یک راهنمای سوالات واحد استفاده شد البته با توجه به روند مصاحبه منعطف و متغیر بود . همچنین با شش نفر از مربیان و مددکاران اجتماعی و روان شناسان کانون نیز مصاحبه صورت گرفت .

تجزیه و تحلیل داده ها در تحلیل محتوای استقرایی

محقق در مسیر چرخشی مجموعه مراحل را طی کرده که در ذیل به طور اختصار آورده شده است. فرآیند آنالیز داده ها در سه فاز اصلی انجام شد: آماده سازی^{۱۸}، سازماندهی^{۱۹}، گزارش دادن^{۲۰}. فاز آماده سازی شامل انتخاب واحدهای تحلیلی و کسب ادراکی از داده ها به صورت یک کل، فاز سازماندهی شامل کدگذاری باز، گروه بندی و خلاصه سازی و در نهایت فاز گزارش شامل ارایه جدول و نمودارهای مفهومی می باشد. (الو و کینگاس، ۲۰۰۸، ۱۰۹ - ۱۱۱). در این پژوهش برای کسب اطمینان از صحت اعتبار^{۲۱} داده ها از ۵ روش زیر استفاده شد.

بررسی و مشاهده پیوسته^{۲۲}: اختصاص زمان کافی، برقراری ارتباط خوب با شرکت کنندگان در پژوهش صورت گرفت.

استفاده از تلفیق در پژوهش^{۲۳}: از تلفیق روش های گردآوری داده ها (مشاهده، مصاحبه، یادداشت در عرصه) و تلفیق زمانی^{۲۴} (بررسی مداوم و امکان بازخورد به داده ها) استفاده شد.

بازنگری ناظرین^{۲۵}: تایید نظرات ناظران خارجی (اساتید راهنما و مشاور) دریافت گردید.

تحلیل موارد مخالف^{۲۶}: در این پژوهش به منظور دستیابی به اعتبار هر چه بیشتر از نظرات شرکت کنندگان متنوع و مخالف یکدیگر استفاده شد.

بازبینی دست نوشته ها توسط شرکت کنندگان^{۲۷}: محقق داده های بدست آمده را با شرکت کنندگان در پژوهش در میان گذاشت و ضمن کسب تایید از ایشان چنانچه ابهامی در قسمت هایی از مصاحبه وجود داشت، آن ها را مجدداً با آن ها مطرح نموده و آن ها خواسته شد که توضیحات بیشتری ارایه دهند. (پرویزی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۵۲).

یافته ها

از بررسی یافته ها بیست و دو کد مفهومی بدست آمد که در دو زیر طبقه اصلی، مشغولیت های ذهنی و باورهای مددجویان قرار گرفت. طبق یافته ها، طبقه ی مشغولیت های ذهنی نیز به دو زیر گروه: ۱- دلایل (ادامه ی آثار دادگاه، خانواده، آینده) و ۲- پیامدها (ضعف تحصیلی و یادگیری، کاهش کیفیت تعاملات، آسیب به خود) و طبقه ی باورهای مددجویان

¹⁸ Preparation

¹⁹ Organizing

²⁰ Reporting

²¹ Truth value

²² Observation & Prolonged engagement

²³ Triangulation

²⁴ Time Triangulation

²⁵ Peer check

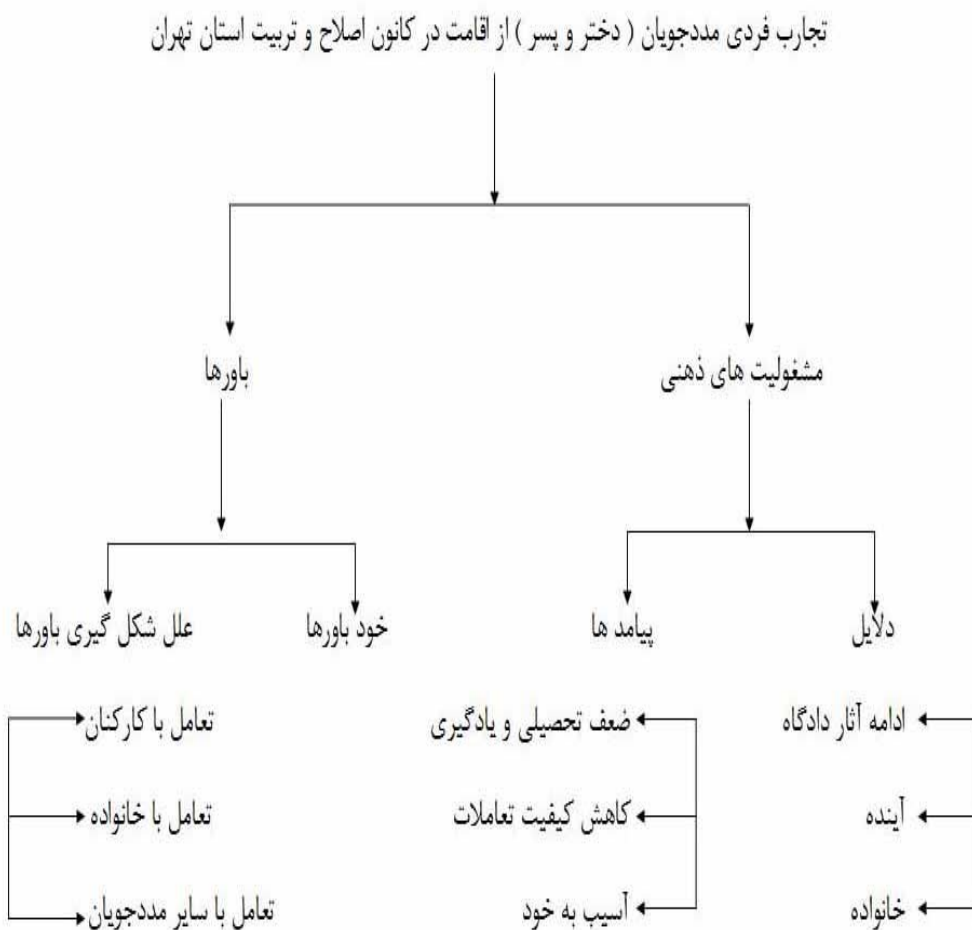
²⁶ Negative case analysis

²⁷ Member checks

به دو زیر گروه : ۱ - خود باورها و ۲ - علل شکل گیری باور ها (تعامل با کارکنان ، تعامل با خانواده ، تعامل با سایر مددجویان) طبقه بندی شد .

نمودار شماره ی یک گویای این طبقات و زیر گروه های حاصل از یافته های این مطالعه است .

نمودار یک



۱: مشغولیت های ذهنی

مددجویان دغدغه های خاطر بسیاری داشتند که به پاره ای از آن ها اشاره کردند .

۱-۱ : دلایل

الف : ادامه آثار دادگاه

با توجه به مشاهدات و گفته های مددجویان ، اصلی ترین و مهم ترین موضوع مشغولیت ذهنی آن ها به ادامه آثار دادگاه مربوط می گردد . طبق گفته های شرکت کنندگان معمولا اکثریت مددجویان منتقل شده به کانون اصلاح و تربیت ، بلا تکلیف بوده و صدور حکم نهایی با توجه به نوع بزه ارتكابی ، طی چند ماه تا چند سال (برای مددجویان مرتکب قتل) به طول می انجامد . همچنین مددجویان و مددکاران اجتماعی از زمان اعزام به دادگاه و زمان آزادی بی اطلاع هستند و همین امر باعث انتظار آزار دهنده و دغدغه خاطر مددجویان می شود . گاهی اوقات پژوهشگر ، مددجویانی را مشاهده می کرد (بیشتر مددجویان با اقامت کوتاه مدت) که به دلیل بی اطلاعی از مدت زمان حبس خود گریه و بی تابی می کردند و به دنبال افرادی بودند که بتوانند در این زمینه به آن ها اطلاعات بدهند . طبق گفته های شرکت کنندگان (مددجویان دختر و پسر) ، برخی از مددجویان مرتکب قتل نیز پس از عبور از سن هجده سالگی ، روزها را در انتظار انتقال به زندان و اجرای حکم اعدام به شب می رسانند و این انتظار برای آن ها بسیار آزار دهنده بود .

مددجوی دختر با اقامت طولانی مدت : " ما حبس عادی نمی کشیم ، حبسی که همش در انتظار اعدام باشی خیلی سخت تر از حبس معمولیه . اینجا فقط شب هاش خوبه ، روزهاش همش استرسه ، هر روز که بیدار می شم منتظرم خبر اعزامم به زندان بیاد ، بعدشم اعدام . اصلا بعضی وقت ها دلم میخواد زودتر اعدام شم از این بلا تکلیفی راحت شم ، فقط یه کم دیگه از صبرم مونده . "

همان مددجو : " چن وقت پیش یکی از دختر ها به اسم ب.... اعزام شد زندان ، از اونجا هم سه بار رفت برای اعدام . تا این که دفعه سوم اعدامش کردن . اون روز صبح مددکارمون بهم گفت برارش فاتحه بخون اعدامش کردن . وقتی خبر اعدامشو شنیدم داغون شدم همش آینده خودمو میبینم . "

مددجوی دختر با اقامت کوتاه مدت : " من یه بار اعزام شدم به دادگاه ، مثل اینکه یه اعزام دیگه هم دارم . دفعه بعدی نمیدونم کی اعزام میشم ، الان ۶ ماهه که اینجا ، قاضی ام رفته مرخصی ، میگن باید خودش بیاد ، همین جوری بلا تکلیف موندم خسته شدم . "

مددجوی پسر با اقامت طولانی مدت : " قبل این که حکمم بیاد خیلی نگران حکمم بودم ، خیلی انتظار کشیدم طول کشید تا حکم اومد خیلی نگران بودم همش به بیرون فکر می کردم خیلی اذیت می شدم هیچ کاری هم نمی تونستم بکنم . "

مددکار اجتماعی : " زمان اعزام و آزادی مددجویان مشخص نیست ، ما هم اطلاعی نداریم . به دفعه نامه میاد که باید اعزام شن یا خبر آزادیشون میاد . "

در مورد زیر گروه مشغولیت های ذهنی از حیث ادامه آثار دادگاه مددجویان هر دو جنس با هر اقامتی مشابه یکدیگر بودند .

ب : آینده

برخی از مددجویان (هر دو جنس با هر اقامتی) نگران آینده شغلی و تحصیلی خود بودند . شاید نگرانی بابت این موضوع دغدغه خاطر تعداد بیشتری از مددجویان باشد اما عده کمی در این زمینه با پژوهشگر صحبت کردند . طبق مشاهدات و گفته ها ، تعدادی از مددجویان هم بودند نه تنها نگران سابقه خود نبودند و در مورد کار و تحصیل در آینده هم برنامه ای نداشتند .

مددجوی دختر با اقامت طولانی مدت : " زندان دیگه آخرشه ، دختری که بیاد زندان ، دیگه همه چی براش تموم شده . "

مددجوی دختر با اقامت بلند مدت : " ما با این سابقه کیفری که داریم نه دانشگاه می تونیم بریم نه می تونیم جایی استخدام شیم . "

در مصاحبه ها با مددجویان پسر بیشترین نگرانی در مورد اشتغال و تامین معاش بود .

مددجوی پسر با اقامت کوتاه مدت : " این کارایی که تو کارگاه های اینجا یاد گرفتیم خوبه اما به درد کار بیرون نمی خوره ، من آزاد شم باز هم کار ندارم ، امیدونم باید چی کار کنم . "

ج : خانواده

مددجویان (دختر و پسر) که تمایل به بازگشت نزد خانواده شان را داشتند نگران اعتماد خانواده به خود بودند و برخی از مددجویان دختر نیز در این فکر به سر می بردند که برخورد آشنایان و اقوام چه خواهد بود . نگرانی بابت اعتماد خانواده بیشتر بستگی به نوع بزه ارتكابی و جنس مددجو داشت . معمولاً برخی از مددجویان مرتکب بزه روابط نامشروع (مددجویان دختر با اقامت کوتاه مدت) مشمول این دسته می شدند . برخی از مددجویان دختر و پسری که (افرادی که خانواده را مسبب بزهکاری خود نمی دانستند) بابت دردمسری که به واسطه ی دستگیری و حبس برای خانواده خود ایجاد کرده بودند عذاب و جوان داشتند . یکی از دغدغه های فکری برخی از مددجویان پسر هم تامین معاش خانواده شان و وضعیت زندگی آن ها بود که در مصاحبه با گروه دختران مطرح نشد .

مددجوی دختر با اقامت کوتاه مدت : " همش به این فکر می کنم که اعتماد مامانم و از دست دادم . این هفته بهم گفت همه فامیل

فهمیدن من اینجا و چه اتفاقی واسم افتاده ، حتما وقتی آزاد شم خیلی حرفا میخوان بارم کنن . "

مددجوی دختر با اقامت طولانی مدت: " من وقتی که آزاد شدم نمیدونم کجا باید زندگی کنم ، خونوادم گفتن نگهمن نمیدارن . "

مددکار اجتماعی: " رابطه ی خونواده ها با پسرا بهتر از دخترا است. چون دخترایی که میان اینجا بیشتر جرمشون فرار از خونه است

بعد شوم ۹۰٪ رابطه ی نامشروع دارن ، خونواده ها کمتر قبولشون می کنن، اما پسرا رو راحت تر می پذیرن . "

مددجوی پسر با اقامت طولانی مدت: " از این که خونوادم این همه راه و به خاطر دیدن من میان کانون عذاب وجدان دارم ، ناراحتم

به خاطر من اذیت می شن . "

مددجوی پسر با اقامت کوتاه مدت: " بابام افتاده زندان ، منم که اینجام نگران مادر و خواهرم هستم که چی کار باید بکنن ؟ "

۱-۲: پیامدها

مشغولیت ذهنی مددجویان پیامدهای مهمی دارد که در سه زیر گروه زیر مطرح می شود .

الف: ضعف در یادگیری

طبق گفته های شرکت کنندگان هر دو جنس ، یکی از دلایلی که مددجویان متمایل به درس خواندن را از تحصیل دانش^{۲۸} ،

باز می داشت ، دغدغه ها و مشغولیت های ذهنی بسیاری است که در مدت اقامت در کانون داشتند . طبق مشاهدات نیز تعداد

کمی از مددجویان با اقامت کوتاه مدت از هر دو جنس به همین دلایل ، تمرکز و حوصله کافی برای یادگیری آموزش های

فنی حرفه ای^{۲۹} را نداشتند . البته ضعف یادگیری مددجویان دلایل دیگری هم دارد که در این مقاله نمی گنجد .

مددجوی دختر با اقامت کوتاه مدت: " از وقتی اومدم اینجا نمی دونم چرا همه چی یادم میره اصلا یادم نیست غذای دیروز چی بود ،

بیرون که بودم درسم خوب بود اما نمی دونم چرا اینجا این جور شدم . "

مددجوی دختر با اقامت طولانی مدت: " اگه میدونستم چن سال اینجام ، کی آزاد میشم اون وقت میتونستم برای آیندم برنامه ریزی

کنم ، درسمو بخونم . ولی الان نمیدونم تا چن سال دیگه باید حبس بکشم . این که آدم بلاتکلیفه خیلی سخته . الان س.... میدونه ۲

سال دیگه آزاد میشه اما من نمیدونم بالاخره تکلیفم چیه. "

مددجوی پسر با اقامت طولانی مدت: " اینجا کامپیوتر و تعمیرات موبایل و از این چیزا یادگرفتم اما اگه بیرون بودم حتما جلوتر بودم

اینجا فکر آدم به آزادی ، به خونواده مشغوله . "

^{۲۸} در کانون اصلاح و تربیت استان تهران امکاناتی جهت ادامه تحصیل مددجویان وجود دارد .

^{۲۹} در کانون اصلاح و تربیت استان تهران کارگاه های هنری و فنی حرفه ای برای آموزش مددجویان وجود دارد .

مری فنی حرفه ای: " این بچه ها با استعدادن اما فکرشون مشغول مشکلاتشونه ، به خاطر همین سطح یادگیری شون از بچه های معمولی کمتره . "

روان شناس: " طبق تست هایی که ما گرفتیم هوش بچه های اینجا با بچه هایی عادی تفاوت معنی داری نداره ،اما چون ذهنشون درگیره مشکلاتشونه یادگیریشون از بچه های عادی کمتره "

ب : کاهش کیفیت تعاملات میان مددجویان

طبق مشاهدات پژوهشگر و نیز با توجه به گفته های مددجویان علل برخی درگیری ها و تنش هایی که میان آن ها به وقوع می پیوندد همین دغدغه های ذهنی آن ها بابت موارد ذکر شده است .

مددجوی دختر با اقامت کوتاه مدت : " خونوادم جواب تلفن هامو نمیدن اعصابم خرد بود به خاطر همین با یکی از بچه ها دعوام شد "

مددجوی دختر با اقامت طولانی مدت : " وقتی ناراحتیم ، با هم دیگه دعوا میکنیم عقدمون سر همدیگه خالی میکنیم اون وقت حالمون بهتر میشه . "

مددجوی پسر با اقامت طولانی مدت : " بعضی وقت ها بچه ها سر ناراحتی های خودشون پاچه همدیگر رو میگیرن یا این که خودزنی می کنن . مثلا یکی حکمش نیومده ، اون یکی خونوادش محلش نمیدارن . "

ج : آسیب به خود

مددجوی پسر با اقامت طولانی مدت : " الان ۱۲ ماهه اینجام هنوز جواب حکمم نیومده کلافه شدم ، مگه به حکم چه قدر طول باید بکشه ؟ سر همین اون اوایل ، ۳ بار خودزنی کردم. "

۲ : باورها

منظور از این زیرگروه ، آن باورهایی است که مددجویان از اقامت در کانون به آن ها رسیده است . برخی از مددجویان (بیشتر مددجویان دختر با اقامت طولانی مدت و کوتاه مدت) معتقدند که زندگی در کانون ، باعث کاهش اعتماد به نفس و ایجاد عقده در آن ها شده است . برخی از مددجویان (مددجویان دختر با اقامت بلند مدت) به این نتیجه رسیده بودند که هیچ خصوصیت مثبتی ندارند ، و پس از طرح سوالات عمیق تر و ادامه ی گفتگو با مددجویان ، نویسنده اول منشا این باورها را در نوع تعامل مددجویان با کارکنان یافت . برخی از مراقبین با توهین و تحقیر مداوم مددجویان ، به آن ها تلقین می کردند که انسان حقیر و بی ارزشی هستند .

مددجوی دختر با اقامت طولانی مدت: " من هیچ حسنی ندارم ، نه قیافم خوبه نه هیكلم خوبه ، نه درس خوندم ، با این سابقه درخشانی ام که دارم ، هیچی ندارم دلم بهش خوش باشه . "

صحبت های همین مددجو در مورد تعامل کارکنان با مددجویان : " تو کانون تمام اعتماد به نفس آدم و ارزش میگیری . از بس که این مراقبا به آدم میگن خیلی زشتی ، بد هیكلی ، بدبختی ، هیچی نیستی ، دماغت گنده است ، هیكلت مثل تاپاله است ، هیكلت مثل گاو میمونه باید هم گاو بشی داری مال مفت میخوری دیگه . انگار اینا دارن خرج مارو میدن . فقیری ، بدبختی ، اینجا از سرتون هم زیاده . یه چیز کوچیک برای آدم میخرن مثل شیرینی یا بستنی بعد به آدم میگن قبلا از این چیزا خورده بودی ، بیرون که بودی از این چیزا گیرت می اومد ؟ همش میخوان آدم و خرد کنن انگار که خودشون کی هستن . "

مددجوی دختر با اقامت کوتاه مدت: " اینجا (کانون) یه جاییه که آدم رو عقده ای میکنه . "

گفته های همین مددجو در مورد تعامل با کارکنان : " کارکنان اینجا همش به آدم توهین می کنن ، من افغانی ام ، الان سه ماهه اینجام ، اسمم صدا نمی کنن بهم میگن هو بیا اینجا... هو افغانی برو آشغال ها رو جمع کن . "

مددجویان هر دو جنس صرف نظر از مدت اقامت در گفتگوها ابراز می داشتند که کانون مکانی است برای نگهداری نوجوانان فقیر و بی کس ، در غیر این صورت در کانون نبودند که پس از بررسی عمیق یافته ها مشخص گردید ، بخشی از این باور از تعامل مددجویان با خانواده هایشان و بخشی دیگر نیز از تعامل با کارکنان نشات گرفته است .

مددجوی دختر با اقامت کوتاه مدت: " بعضی از این دخترا خالی بندی می کنن مثلا میگن ، مامانمون خارجه ، بابامون پولداره ، آخه اگه فقیر و بدبخت نبودى که الان اینجا نبودى ، یه بار یه دختر رو صبح آوردن اینجا ، عصر نشده باباش سند گذاشت رفت ، مامان من سه ماه نتونسته برام یه سند جور کنه . "

صحبت های همین مددجو در مورد تعامل کارکنان با مددجویان : " از این مربی ورزشه خیلی بدم میاد چون پولداره مغروره یه جور بدی به آدم نگاه می کنه . این حس و در مورد بعضی از مراقبا هم دارم چون پولدارن یه جورى به آدم نگاه می کنن که انگار میخوان به آدم بگن خیلی فقیری . "

مددجوی پسر با اقامت کوتاه مدت: " اینجا برای بقیه خوبه ، اما برای من خوب نیست ، من بچه ی بالا شهرم . "

مددجوی پسر با اقامت بلند مدت: " این بچه های گربه نازکن و سگ بغل کن^{۳۰} ، میگن کجا بریم که مثل کانون هر هفته کباب بدن . "

^{۳۰} اصطلاحی است که در زندان به افراد کارتون خواب و بی خانمان می گویند .

برخی از مددجویان دختر و پسر با هر اقامتی معتقد بودند که رفتار آن‌ها در مدت اقامتشان تغییر کرده و نسبت به گذشته بهتر شده است، بررسی عمیق‌تر نشان داد که این باور از تعامل با کارکنان و مددجویان خوش رفتار نشأت گرفته بود.

مددجوی دختر با اقامت طولانی مدت: "من از وقتی اومدم اینجا خیلی عوض شدم، خیلی بهتر و آرام تر شدم."

صحبت‌های همین مددجو در زمینه‌ی تعامل کارکنان با مددجویان: "اینجا همه به جز سرمراقب به آدم فحش میدن و توهین می‌کنن. فقط اون‌ه که با آدم خوب رفتار می‌کنه. روزهای اولی که اومده بودم خیلی سرتق بودم. خیلی با همه دعوا می‌کردم. اونا هم با من دعوا می‌کردن. فقط سر مراقب بود که با من کاری نداشت. هر چی جیغ می‌کشیدم هیچی بهم نمی‌گفت. می‌گفت هر وقت که آرام شدی با هم حرف می‌زنیم اصلاً با من دعوا نمی‌کرد. بعد که آرام می‌شدم با من حرف می‌زد. و کم کم بهم می‌گفت این کارات بده. کم کم کارای بدم و بهم می‌گفت. مثلاً بهم می‌گفت: احترام به بزرگتر کار خوبیه. دعوا بده، جیغ کشیدن بده و... من هم ۲ تا کارت بر می‌داشتم روی یکی کارهای بدم و می‌نوشتم و روی یکی کارهای خوب و می‌نوشتم و بعد سعی کردم کم کم کارای بدم و بنارم کنار."

مددجوی دختر با اقامت طولانی مدت: "من وقتی اومدم اینجا خیلی پرو و بی ادب بودم، اما الان خیلی عوض شدم، خیلی بهتر شدم. مددجوی ارشد خوابگاه باهام دوست شد، هر وقت ناراحت بودم دلداریم می‌داد، خیلی بهش علاقه مند شدم بعد کم کم کارهای بدم بهم گفت و آدمم کرد."

مددجوی پسر با اقامت کوتاه مدت: "از وقتی اومدم اینجا، نمازخوندن یاد گرفتم، دیگه قلیون و سیگار نمی‌کشم احساس میکنم حالم بهتره."

برخی از مددجویان دختر، صرف نظر از مدت اقامت به این باور رسیده بودند که هیچ اهمیتی برای کسی ندارند و هیچ کس به مشکلات آن‌ها توجه نمی‌کند. پس از بررسی عمیق‌تر، منشا این باور نیز در تعامل با کارکنان و خانواده‌ی مددجویان یافت شد.

مددجوی دختر با اقامت کوتاه مدت: "هیچ کس به ما توجه نمی‌کنه. ما برای هیچ کس اهمیت نداریم."

صحبت‌های همین مددجو در مورد تعامل کارکنان با مددجویان: "همین مربی ورزشه، خانم... هرچی از دهنش درمیاد به آدم می‌گه. خب من دارم ترک می‌کنم، دارو مصرف می‌کنم ۱۲ بار دور زمین بسکتبال بدم. وقتی نمی‌تونم بدم به من می‌گه تو انگل اجتماعی آخه به چه حقی اینو به من می‌گه". (مددجو سرش را به زیر انداخت و گریه کرد).

مددجوی دختر با اقامت کوتاه مدت: "خوب شدن یا نشدن ما چه اهمیتی داره؟ اصلاً واسه کی مهمه؟ توخونه یه جور میزنن تو سر آدم. اینجا هم (کانون) یه جور میزنن توستر آدم."

مددجوی دختر با اقامت طولانی مدت: " ماهیچ وقت رفاه نداشتیم، نه اینجا (کانون)، نه تو جامعه. "

برخی از مددجویان هر دو جنس با هر اقامتی، در اثر تعامل با سایر مددجویان به این باور رسیده بودند که در کانون بایستی رفتار ضد اجتماعی خود پسندانه داشته باشند در غیر این صورت حقوق آن‌ها در تعامل با سایر مددجویان تضییع می‌شود.

مددجو دختر با اقامت کوتاه مدت: " من نمیخوام اینجا زیرآب کسی رو بزنم ولی مجبورم زیرآب بزنم. اینجا زیرآب نزنم بقیه زیر آب تو می‌زنن. "

مددجوی پسر با اقامت کوتاه مدت: " اگه بچه‌ها با من خوب باشن منم خوبم ولی اگه کسی با من خوب نباشه، اگه من خوب باشم، جوابشو ندم، پرو میشه. "

بیشتر مددجویان دختر و پسر با هر اقامتی معتقد بودند که زندگی در کانون باعث بد آموزی آن‌ها شده است.

مددجوی پسر با اقامت طولانی مدت: " آدم وقتی میاد زندان گرگ میشه اینجا پسرها رو گرگ میکنه، دخترها رو خراب میکنه. دختر اگه بیاد زندان خراب میشه. "

صحبت‌های همین مددجو در مورد تعامل مددجویان با یکدیگر: " آدم هرچی بلد نبوده تو زندان یاد میگیره. از همدیگه یاد میگیرن. اینجا همه جورش میاد. بیشتری‌ها (مددجویان پسر) دزدن یا تو کار موادن. "

مددجوی پسر با اقامت کوتاه مدت: " بچه‌ها راه‌های خلافتون واسم میگن آدم یاد میگیره. "

مددجوی دختر با اقامت کوتاه مدت: " بعضی از این دخترها خیلی بی ادب. بلند بلند رابطه هاشون با دوست پسرانشون جلوی بقیه تعریف می‌کنن، خجالت هم نمیکنن. حرفاشون خیلی زشته، بچه‌های دیگه یاد میگیرن. "

برخی از مددجویان هر دو جنس ابراز کردند که اقامت در کانون چیزی را برای آن‌ها تغییر نداده و پس از آزادی مجدداً کارهای گذشته خود را تکرار خواهند کرد.

مددجوی دختر با اقامت کوتاه مدت: " قاضی کلی نصیحتم کرد که درس بخون دیگه از این کارا نکن منم گفتم باشه هر چی شما بگی. اما ما دوباره همون کارهایی رو که قبلا می‌کردیم بازم میکنیم، با اومدن به اینجا چیزی برامون عوض نشده. "

مددجوی پسر با اقامت کوتاه مدت: " من وقتی که آزاد بشم نمیدونم کجا باید زندگی کنم، کار هم که ندارم مجبورم برای این که خرجم دربیارم دوباره مواد بفروشم، اینا (مددکاران کانون) فقط کمک به آزادی آدم می‌کنن کار دیگه ای نمی‌تونن بکنن. "

بحث و نتیجه گیری:

در این مقاله تلاش شد تا تجارب شخصی مددجویان از اقامت در کانون اصلاح و تربیت مددجویان مشخص شود. شایان ذکر است مددجویان توان بیان تمام ناراحتی های خود را نداشتند و معمولا در مورد بیان ناراحتی ها و دغدغه های ذهنی خود، واژه کم می آوردند و یا علت بسیاری از ناراحتی ها و پرخاشگری های خود را نمی دانستند. طبق یافته های پژوهش، مهم ترین دغدغه و مشغولیت های ذهنی مددجویان به سه موضوع، ادامه آثار دادگاه (بی اطلاعی از حکم صادره و مدت محکومیت، مسایل مربوط به پرونده قضایی، انتظار و بلا تکلیفی مددجویان مرتکب قتل و کابوس اجرای حکم اعدام و ...)، آینده (نگرانی بابت تاثیر سوسابقه بر شغل و زندگی آینده)، خانواده (نگرانی بابت اعتماد و پذیرش از جانب خانواده، ناراحتی بابت به درسر افتادن خانواده بابت بزهکاری خود، مشکلات اقتصادی و وضعیت معیشت آن ها، نگرانی بابت اطلاع اقوام و آشنایان از بزهکاری خود و نوع برخورد آن ها، ناراحتی از بی توجهی خانواده نسبت به خود) اختصاص داشت. یافته ها نشان داد این مشغولیت های ذهنی پیامد های گوناگونی مانند کاهش تمرکز و یادگیری، کاهش کیفیت تعاملات میان مددجویان و حتی منجر به آسیب رسانی مددجو به خود شده بود. یافته ها نشان داد یکی از علل شایع اقدام به خودزنی در میان پسران به بلا تکلیفی بابت حکم و تعیین دوران محکومیت مربوط می شد. همچنین علل بسیاری از پرخاشگری ها و گوشه گیری های مددجویان را در همین مشغولیت های ذهنی باید جستجو کرد. نتایج این مطالعه با یافته های مطالعات مشابه همخوانی دارد.

یافته های مطالعه بابک نژاد (۱۳۷۴) نشان داد بسیاری از نوجوانان که برای اولین بار دستگیر می شوند، بابت افشای بزهکاری خود نزد خانواده، دوستان و اقوام دل نگرانند. اما با ادامه اقامت در کانون و شناخت انواع مختلف بزهکاری سایر مددجویان و مقایسه جرایم ارتكابی آنان با خود، از هیجانان روانی آن ها کاسته می شود (بابک نژاد، ۱۳۷۴: ۴۳).

همچنین قاسمیان در سال ۱۳۹۰، در پژوهشی کیفی، تحت عنوان بررسی سلامت اجتماعی کودکان در انتظار اجرای حکم، با تاکید بر کودکان مرتکب قتل، نشان داد که این افراد از سطح سلامت اجتماعی پایینی برخوردار بودند. که زندگی در کانون های اصلاح و تربیت تا رسیدن به سن هجده سالگی، انتقال به زندان بزرگسالان و باقی ماندن در آن تا زمان اجرای حکم نیز، در کنار سایر عوامل تاثیر گذار بر سلامت اجتماعی این کودکان، منجر به بروز انواع مسایل و مشکلات روانی برای آن ها شده بود (قاسمیان، ۱۳۹۰: ۸۶-۷۳).

محسنی (۱۳۸۷) بیان داشت از جمله کارکرد های منفی زندان انجام رفتار خشونت آمیز علیه خود (خودزنی) و تعدی به دیگران است. او برخی شاخص های رفتاری که تاکید بیشتری بر بعد روان شناسانه رفتار زندانیان دارند را عواملی چون: احساس طرد اجتماعی از سوی جامعه بیرون از زندان شامل خانواده، آشنایان و دوستان، همچنین نگرانی برای بی سرپرستی و مشکلات مالی و مسایل عاطفی و اجتماعی آنان، مطرح کرد (محسنی، ۱۳۸۷: ۴).

مظاهری (۱۳۷۷) بیان کرد ، یک فرد زندانی به محض ورود به زندان دچار ناراحتی های روانی پیرامون موضوعاتی مانند: اضطراب و نگرانی در مورد کاهش حرمت اجتماعی ، طرد شدن از جانب خانواده و دوستان ، از دست دادن شغل و بی سرپرستی خانواده ، احساس کینه نسبت به سیستم قضایی و متهم کردن قاضی به بی عدالتی ، بی قراری نسبت به تعیین تکلیف قانونی می شود . همچنین با توجه به این که افراد محکوم از نظر اجتماعی و اقتصادی از کسب موقعیت و خواسته های خود از طریق مشروع ناتوان هستند ، بیشتر مستعد خلافکاری و جرم می باشند و پس از بازداشت و محکومیت دائما در حال کشمکش با ذهنیات و وجوان خود بوده و فشارهای روانی شدیدی را متحمل می شوند (مظاهری ، ۱۳۷۷ : ۲۸) .

سرلک (۱۳۹۰) اعتقاد دارد ، خطر خودکشی یا خودزنی به دلیل طولانی بودن مدت بلاتکلیفی ، به ویژه در ابتدای شروع محکومیت و بیشتر در مورد افرادی که برای اولین بار است که به زندان راه یافته اند ، بیشتر است . چرا که زمانی که انسان بلاتکلیف است بیشترین فشار روانی را متحمل می شود و احتمال خودکشی و خودزنی در این زمان افزایش می یابد (سرلک ، ۱۳۹۰ : ۲۷) .

یافته ها در زمینه ی شناخت باورهای مددجویان به عنوان تجارب شخصی آن ها حکایت از باورهای گوناگونی داشت که ناشی از استنباط و تعبیر مددجویان ، در نتیجه تعامل با افراد (کارکنان و سایر مددجویان و اعضای خانواده خود) بود . این باورها شامل ، احساس پوچی و بی ارزشی ، از دست دادن اعتماد به نفس ، نداشتن اهمیت برای هیچ کس ، (به دلیل مورد بی مهری قرار گرفتن از جانب خانواده ، مورد توهین و تحقیر واقع شدن از جانب کارکنان کانون) بود . تعدادی از مددجویان به این باور رسیده بودند که برای هیچ کس اهمیتی ندارند ، هیچ جا احساس رفاه نداشته اند و هیچ کس آنها و مشکلاتشان را نمی بیند . تعدادی از مددجویان ابراز داشتند که به واسطه ی اقامت در کانون ، تعامل با سایر مددجویان و شنیدن مسایلی که قبلا به آن ها واقف نبودند باعث بد آموزی آن ها شده بود . در هر دو جنس باور به موضوعاتی مانند این که کانون مکانی برای نگهداری افراد فقیر و بی کس است و این که اقامت در این مکان باعث بد آموزی آن ها می شود ، که با نتایج مطالعه های زیر هم سو است .

اسماعیلی و راهرو (۱۳۸۷) ، به این نتیجه دست یافتند که مددجویان به عنوان افرادی که مدتی از زندگی خود را در زندان به سر می برند ، در معرض هجوم شناخت های منفی در مورد خود هستند . بسیاری از آنان ارزیابی های شناختی منفی نسبت به خود از قبیل کم ارزشی ، فقدان اعتماد به نفس ، عدم کارایی شخصی و ... دارند (اسماعیلی ، ۱۳۸۷ : ۲۵ - ۲۰) .

مطالعه کیفی قاسمیان (۱۳۹۰) ، نشان داد که کودکان تا قبل از وقوع بزه ، هیچ احساس تعلق به جامعه و یا حتی به خانواده نداشته اند و خود را عضو طرد شده ی خانواده خود می انگاشتند ، حتی در بسیاری از موارد احساس می کردند که در هیچ جا

(مانند مدرسه و معلمانشان) جدی گرفته نمی شده اند ، در هیچ جا احساس آرامش و امنیت نداشته و کسی به خواسته های آن ها توجه نکرده است . همچنین در این مطالعه مددجویان ابراز داشته بودند که هیچ کس به این مساله که این کودکان چه طور زندگی کرده اند ، اهمیتی نمی داده است (قاسمیان ، ۱۳۹۰: ۸۶-۷۳) .

یافته های پژوهش حاضر نشان داد که تعدادی از مددجویان باورداشتند ، که به سبب دو عامل فقر و بد شانسی در کانون نگهداری شده اند . اقامت در کانون چیزی را برای آن ها تغییر نداده و پس از آزادی مجددا کارهای گذشته را تکرار خواهند کرد ؛ که با نتایج مطالعه زیر هم سو است .

در مطالعه کیفی قاسمیان (۱۳۹۰) ، تعدادی از کودکان و نوجوانانی که سال های بیشتری را در کانون های اصلاح و تربیت گذرانده و یا به زندان بزرگسالان منتقل شده بودند ، معتقد بودند ، جامعه و فقر آن ها مسبب اصلی وضعیت آن ها است و نه خودشان و هیچ چیز برای بهتر شدن شرایط آنان تغییر نخواهد کرد ، حتی اگر بیرون از زندان هم بیایند با توجه به شرایط خانوادگی شان فرصت و توان پیشرفت و تغییر وضعیت خود را نخواهند داشت . همچنین شرایط زندان و انتقال نوجوانان به زندان بزرگسالان و نیز طولانی شدن دوران محکومیت در زندان ها و یا کانون های اصلاح و تربیت روی نگرش مددجویان نسبت به شکوفایی و رشد خود و جامعه تاثیر گذار بوده است (قاسمیان ، ۱۳۹۰: ۸۶-۷۳) .

یافته ها نشان داد ، مشغولیت ذهنی بابت ادامه آثار دادگاه به عنوان اولین ، مهم ترین و تاثیرگذارترین دغدغه ذهنی در هر دو گروه مددجویان دختر و پسر با هر مدت اقامتی وجود داشت . در مورد زیر گروه مشغولیت ذهنی از حیث نگرانی بابت اعتماد خانواده نیز بستگی به نوع بزه و ارتباط مددجو با خانواده اش داشت ، در برخی از افراد هر دو جنس (اقامت کوتاه مدت و بلند مدت) این نگرانی وجود داشت . با توجه به اینکه عمده ترین علت بزه در دختران اعمال منافی عفت و در پسران سرقت و نزاع است ، لذا نوع مشغولیت ذهنی در رابطه با خانواده ها در دو جنس ، از نوع متفاوتی بود . هر دو گروه مددجویان دختر و پسر (آن گروه از مددجویانی که تمایل به بازگشت نزد خانواده خود را دارند) نگران اعتماد و پذیرش از جانب خانواده خود بودند اما این نگرانی در دختران به دلیل نوع بزه ارتكابی ، کمی بیشتر بود . در مشغولیت های ذهنی پسران ، نگرانی بابت تامین معاش خانواده هم وجود داشت . با توجه به اولویت جرایم پسران که به سرقت اختصاص دارد و طبق آمار کانون های اصلاح و تربیت ، تعدادی از مددجویان در بدو ورود به کانون ها ترک تحصیل کرده و کودک کار می باشند و عهده دار تامین بخشی از هزینه های خانواده هستند ، این مساله توجه پذیر است . هر دو گروه دختران و پسران صرف نظر از مدت اقامت ، در زیر گروه پیامدهای مشغولیت ذهنی در زمینه ضعف یادگیری و تحصیلی و علل آن تقریباً مشابه یکدیگر بودند. اما عدم تمرکز برای یادگیری آموزش های فنی حرفه ای بیشتر در مددجویان با اقامت کوتاه مدت (در هر دو جنس) دیده شد . کاهش کیفیت تعاملات میان مددجویان به عنوان یکی از پیامدهای مشغولیت ذهنی در همه گروه های شرکت کننده (

مددجویان) وجود داشت اما شدت این پیامد ها در گروه کوتاه مدت نسبت به بلند مدت بیشتر بود زیرا گروه بلند مدت از هر دو جنس تقریباً به این مسایل عادت کرده بودند. همچنین یافته ها نشان داد پیامدهای مشغولیت های ذهنی منجر به بروز واکنش های شدیدتری در پسران به نسبت دختران شده بود و اقدام به خودزنی در پسران (با اقامت کوتاه مدت) بیشتر از بقیه ی گروه های مورد بررسی بود. در زیر گروه باورها، باور هر دو گروه در بیشتر موارد مشابه یکدیگر بود البته ذکر باورهای منفی در مورد خود، بیشتر در مصاحبه با دختران (صرف نظر از مدت اقامت) مطرح شد. نکته ی قابل تامل این است که مددجویان، احساس عذاب وجدان و شرمساری بابت شاکیان و قربانیان خود مطرح نکردند. همان طور که یافته ها نشان داد، مشغولیت ذهنی مددجویانی که حکم دریافت کرده و دوران محکومیت آن ها مشخص گردیده بود نسبت به مددجویان در انتظار حکم و بلا تکلیف کمتر و تمرکز آن ها برای یادگیری مفاهیم آموزشی و تربیتی بیشتر بود. شاید در ابتدا موضوع دادرسی و سیستم قضایی، به اقامت در کانون بی ارتباط به نظر برسد، اما با نگاهی عمیق تر و دقیق تر مشخص می شود که طول زمان دادرسی و ادامه آثار دادگاه نه تنها بر وضعیت روانی نوجوانان مقیم کانون اصلاح و تربیت تاثیر سو گذاشته، حتی می تواند با ایجاد درگیری ذهنی برای مددجو، تاثیر مثبت برنامه های آموزشی ترتیب داده شده برای این نوجوانان، در مدت اقامت در کانون را خنثی یا مختل سازد به همین منظور در کشورهای انگلستان و هلند نیز اصلاحاتی دقیق و صریح در زمینه کاهش مدت زمان دادرسی صورت گرفته است. کشور انگلستان از یک سو مدت زمان مابین بازداشت و آغاز دادرسی و از سوی دیگر، مدت زمان لازم برای اعلام دوران محکومیت را به نصف کاهش داده است. (مجازات های جایگزین زندان برای اطفال بزهکار اروپا، ۱۳۸۷: ۶۰). بنابراین سیستم قضایی ایران نیز بایستی به این نکته ی مهم توجه نماید. مشغولیت ذهنی مددجو بابت آینده، می تواند از طرفی به دلیل تمرکز بیشتر مددکاران داخل کانون، به مسایل پیرامون قضایی و توجه کمتر به مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی مددجویان و از طرف دیگر به نحوه عملکرد مرکز مراقبت های پس از خروج زندانیان مرتبط شود. اختصاصی نبودن فعالیت های مراکز مراقبت پس از خروج زندانیان، متناسب با ویژگی های نوجوانان بزهکار، می تواند به نگرانی بابت آینده این مددجویان بیافزاید و شاید همین عامل منجر به تقویت این باور در مددجویان شده باشد که اقامت در کانون مساله ای را برای آنان تغییر نداده، زیرا خدمات ارائه شده در این مراکز برای مددجویان نوجوان اختصاصی نشده است^{۳۱} و مددجو پس از آزادی مجدداً به وضعیت زندگی سابق خود باز می گردد (به ویژه در مورد وضعیت مددجویانی که سهم عوامل اجتماعی در ارتکاب بزهکاری آنان بیشتر از سایر فاکتورهای مربوطه است). به عقیده ی «بلوس» جای تعجب نیست اگر نوجوانان به هنگام شناخت نقش و جای خود در یک فرهنگ گسترده دچار مشکل و بحران های روانی می شوند، زیرا در اجتماعی زندگی می کنند که نقش معینی برای او نمی شناسد و او را برای آن نقش تربیت نمی کند)

^{۳۱} طبق مصاحبه با مسؤل مربوطه و مطالعه در زمینه ی فعالیت های مرکز مراقبت های پس از خروج، کلیه ی فعالیت های این مرکز، برای تمام مددجویان آزاد شده بدون توجه به سن و شرایط آن ها (مددجوی نوجوان یا بزرگسال) یکسان است.

جوانمرد ، ۱۳۹۰ : ۹۶) . یافته ها نشان داد این دلمشغولی ها می تواند پیامدهایی از جمله عدم تمرکز برای یادگیری آموزش های فنی حرفه ای و یا تاثیر سو خود را بر تعاملات میان مددجویان گذاشته و مسبب شکل گیری دعوا و درگیری میان مددجویان شود و همچنین باعث صدمه زدن مددجو به خود گردد . در ادامه باید اظهار داشت ، در زیر طبقه ی باورهایی که مددجو به آن ها اشاره کرد ، به باورهای منفی مانند : فقدان ارزش ، اهمیت ، تنهایی و بی کسی ، بی بهره بودن از خصوصیات مثبت و غیره در مصاحبه ها و گفتگوها اشاره شد . این باورهای منفی ممکن است حتی عزت نفس مددجو را هم نشانه رود . زیرا عزت نفس به معنی قضاوت شخصی و خود ارزشمندی که شخص درباره خودش دارد ، دارای ۲ مولفه ی ۱- احساس خودارزشمندی مبتنی بر ارزیابی خویشتن ۲ - احساس کار آمدی مبتنی بر مشاهده آثار کارهای فرد ، است (انصاری نژاد ، ۱۳۹۱ : ۳۶۷) . همچنین یافته ها نشان داد که تعامل مناسب برخی مراقبین با مددجویان و نیز نفوذ مددجویان (خوش رفتار) در یکدیگر روش مناسبی برای ترک رفتارهای خشن این نوجوانان بوده است که باید بیشتر از این روش ها استفاده شود . یافته های پژوهش حاضر نشان داد که مراکز نگهداری نوجوانان به ویژه این نوجوانان آسیب پذیر بایستی به کیفیت تعاملات انسانی توجه بیشتری نمایند .

محدودیت ها :

۱. به پژوهشگر اجازه ضبط صدای شرکت کنندگان داده نشد و نگارش تمام صحبت های مطرح شده در مصاحبه ها وقت بسیاری را صرف کرد .
۲. به پژوهشگر اجازه حضور طولانی مدت در محیط نگهداری پسران ، همانند قسمت نگهداری دختران داده نشد . و اهم داده های این قسمت فقط حاصل مصاحبه با شرکت کنندگان است .
۳. پژوهشگر اجازه داشت حداکثر به مدت ۹ ساعت در کانون حضور یابد و از مشاهده ی ساعات باقیمانده روز ، بی نصیب ماند .

پیشنهادات کاربردی :

۱. پیشنهاد می شود برای کاهش دغدغه ها و مشغولیت های ذهنی مددجویان بابت ادامه آثار دادگاه ، قضات ارتباط بیشتری با مسوولین و به ویژه مددکاران کانون اصلاح و تربیت برقرار کرده و آن ها را در جریان کار خود قرار دهند .
۲. پیشنهاد می شود برای جلوگیری از آزاد کردن مددجویان بدون تحویل به قیم قانونی شان ، سیستم قضایی به همکاری و هماهنگی بیشتر با مددکاران کانون پردازد و نگرانی مددجویان بابت آینده و محل زندگیشان کاهش یابد.
۳. با توجه به نتایج مطالعه و تعیین نقش موثر خانواده و همچنین با توجه به ابعاد سه گانه فردی ، خانوادگی و اجتماعی

دخیل در بزهکاری ، پیشنهاد می شود برای تکمیل فرایند اصلاح و بازپروری مددجویان ، همزمان با آموزش مددجویان ، کلاس ها و آموزش هایی برای خانواده ها هم گذاشته شود و به تعامل خانواده و مددجو بیشتر توجه گردد . با این روش دغدغه فکری مددجویان بابت پذیرش خانواده کاهش می یابد .

۴ . پیشنهاد می گردد از سوی سازمان زندان ها ترتیبی اتخاذ شود تا مددکاران اجتماعی کانون های اصلاح و تربیت به پیگیری مسایل و مشکلات زندگی مددجویان پس از ترخیص ، هم بپردازند .

پیشنهادهای پژوهشی :

۱. پیشنهاد می گردد در زمینه ی فعالیت های مراکز مراقبت های پس از خروج زندانیان و امکاناتی که مناسب نوجوانان معارض قانون می باشد ، پژوهش گردد .
۲. پیشنهاد می گردد در زمینه ی علل طولانی بودن تعیین حکم مددجویان و روش های کوتاه نمودن فرآیند دادرسی پژوهش گردد .

سیاسگذاری :

بدین وسیله از همکاری همه ی مشارکت کنندگان عزیز قدردانی می گردد . همچنین حمایت مدیر و همکاری مسوولین محترم کانون اصلاح و تربیت استان تهران از این پژوهش بسیار قابل ستایش است .

فهرست منابع

۱. آمار محرمانه سازمان زندان ها - کانون اصلاح و تربیت استان تهران ، ۱۳۹۱.
۲. اسماعیلی ، ایرج و راهرو خواجه ، علی اصغر (۱۳۸۷) . بررسی مدت حبس و کیفیت زندگی مددجویان . نشریه علوم تربیتی ، اصلاح و تربیت . سال هفتم . شماره ۷۳ . ص : ۲۵ - ۲۰ .
۳. انصاری نژاد ، نصرالله . (۱۳۹۱) . تحلیل بزهکاری نوجوانان اصلاح و تربیت تهران . فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی ، سال دوازدهم ، شماره ۴۵ . ص : ۳۸۶ - ۳۶۵ .

۴. بابک نژاد ، محسن (۱۳۷۴) . گزارش مختصر پیرامون طرح بررسی تاثیر کانون اصلاح و تربیت بر انگیزندگی هیجانی نوجوانان . نشریه علوم تربیتی ، اصلاح و تربیت . شماره ۳ . دوره قدیم . ص : ۴۴- ۴۲ .
۵. پرن فر شیما (۱۳۸۶) . سیاست های اجتماعی مناسب کودکان کار خیابانی ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی .
۶. پرویزی ، س و احمدی ، ف و نیکبخت نصرآبادی ، ع (۱۳۸۳) . اعتیاد از نگاه جوانان ، یک پژوهش کیفی . نشریه اندیشه و رفتار ، سال دهم ، شماره ۳ ، ص : ۲۵۷- ۲۵۰ .
۷. جوانمرد ، کرم الله (۱۳۹۰) . پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و بزهکاری نوجوانان ، تهران : انتشارات جامعه شناسان .
۸. دانش ، تاج زمان (۱۳۸۵) ، طفل بزهکار کیست ؟ روش اصلاح و تربیت او چیست ؟ ، تهران : انتشارات کیهان .
۹. سجادی ، حمیرا و بیگلریان ، اکبر (۱۳۹۰) . راهنمای نگارش پایان نامه . تهران : انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی .
۱۰. سرلک ، غلامرضا . (۱۳۹۰) . بررسی علل و عوامل خودزنی و خودکشی در زندان ها . نشریه ی علوم تربیتی ، اصلاح و تربیت ، شماره ۱۰۷ . ص : ۲۸- ۲۶ .
۱۱. صلصالی ، مهوش و پرویزی ، سرور و ادیب حاج باقری ، محسن . (۱۳۸۶) . روش های تحقیق کیفی ، چاپ اول . تهران : انتشارات بشری .
۱۲. علی نیا جنگلی ، وهاب (۱۳۹۰) . تاثیر مداخلات مددکاری اجتماعی گروهی با رویکرد شناختی - رفتاری بر میزان سازگاری کودکان بزهکار - پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی .
۱۳. فلیک ، اووه . (۱۳۸۸) . درآمدی بر تحقیق کیفی . (ترجمه ی هادی جلیلی) . چاپ دوم . تهران : نشر نی .
۱۴. قاسمیان ، مژگان و حسینی ، احمد . (۱۳۹۰) . بررسی سلامت اجتماعی کودکان در انتظار اجرای حکم . همایش مدارک اجتماعی در حوزه کودکان . ص : ۸۶- ۷۳ .
۱۵. لشگر آرا فرهاد ، سلطانی شهره (۱۳۸۳) . نظرخواهی از جوانان زندانی در موفقیت آنان موثر است . مجله علوم تربیتی . اصلاح و تربیت . شماره ۲۵ ؛ ص : ۷ تا ۹ .
۱۶. مجازات های جایگزین زندان برای اطفال بزهکار در اروپا ، (کاهش مدت زمان میان ارتکاب جرم و پاسخ قضایی) . (۱۳۸۷) . نشریه حقوق ، قضاوت ، شماره ۵۱ ، ص : ۶۱- ۶۰ .
۱۷. محدث محسن (۱۳۸۸) ؛ مقایسه تطبیقی تاثیر مجازات زندان با مجازات های جایگزین در پیشگیری از تکرار جرم ، چاپ اول ، تهران : انتشارات موسسه فرهنگی نگاه بینه

۱۸. محسنی ، علیرضا . (۱۳۸۷) . آسیب شناسی مجازات زندان و حبس . نشریه حقوق ، دادرسی ، شماره ۶۷ . ص : ۹ - ۳ .

۱۹. محمود نژاد ، خاتون (۱۳۸۰) . مقایسه جو روانی خانواده نوجوانان عادی و بزهدکار . پایان نامه کارشناسی ارشد . دانشگاه الزهرا . دانشکده پرستاری و مامایی .

۲۰. مدنی ، سعید . انصاری ، غلامرضا . بابایی ، نعمت . جغتایی ، محمدتقی . چابک ، علی . رزاقی ، عمران محمد . رفیعی ، حسن . شریفیان ثانی ، مریم . فکری ، رضا . طالبی ، محمدعلی . فتحی ، مرتضی . کاکویی ، حسین . کمالی ، محمد . (۱۳۷۹) . به سوی نظام جامع رفاه اجتماعی . تهران : انتشارات سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی .

۲۱. مظاهری ، پرویز . (۱۳۷۷) . تاثیر زندان و زندانی بر زندانبان . نشریه ی علوم تربیت ، اصلاح و تربیت ، شماره ۵ . ص : ۳۷-۴۰

22. Elo , Satu & Kyngas , Helvi (2008) . " The qualitative content analysis process " . Journal of Advanced Nursing 62 (1) , 107 – 115 .
23. Fazel , Seena . Doll , [Helen](#) . Långström , [Niklas](#) (2008) . " Mental Disorders Among Adolescents in Juvenile Detention and Correctional Facilities: A Systematic Review and Metaregression Analysis of 25 Surveys " . [Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry](#) . Vol , 47, Issue 9 , pp : 1010–1019 .
24. Kondarki N.L & Wellman N.S (2002) . " Review of the methods and their applications in nutrition education " . Journal of Nutrition education and behavior . 34 (4) , pp : 224 – 230 .
25. Krause N .(1988) . " Neiborhood deterioration , religious coping , and changes in health during late life " . Gerontologist , 38 (6) . 653 – 664 .